

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری امور پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری پس از بررسی مستندات کنگره، با توجه به جایگاه علمی برگزارکنندگان و کارگروه مربوط به آن، سطح علمی و پژوهشی چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی را تایید کرد. این موضوع طی نامه‌ای به شماره ۱۳۹۵۶۸ مورخ ۱۳۹۵/۰۷/۰۳ به اطلاع شورای سیاست‌گذاری کنگره رسیده است.



**مجموعه مقالات
چهارمین کنگره بین المللی
علوم انسانی اسلامی**

کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی

اسامی هیئت داوران

کمیسیون «هنر و معماری»
رئیس کمیسیون: مهندس عبدالحمید نقره کار

اسامی داوران به ترتیب حروف الفبا:

- پردیس بهمنی: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- سمانه تقدیر: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- مهدی حمزه نژاد: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- محمدمنار رئیس: عضو هیئت علمی دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه قم
- محمد صالح شکوهی بیدهندی: استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه علم و صنعت ایران
- محمدرضا عطایی همدانی: دکترای معماری، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشان
- صدیقه معین مهر: دکترای معماری اسلامی، مُدَرِّس دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
- مسعود ناری قمی: استادیار دانشگاه فنی و حرفه‌ای، دانشکده پسران قم
- عبدالحمید نقره کار: دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران
- سید مجید هاشمی: دکترای معماری و استادیار دانشگاه ولی عصر علیه السلام رفسنجان

سرشناسه	: کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی (چهارمین : ۱۳۹۶ : تهران)
عنوان و نام پدیدآور	: International Conference on Islamic Humanities (4th : 2017 : Tehran)
مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی نویسندگان جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی : حامیان برگزاری کنگره مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا ... [و دیگران] :	
ویراستار مرتضی طباطبایی	
مشخصات نشر	: تهران: آفتاب توسعه، ۱۳۹۸ -
مشخصات ظاهری	: ج ۱۰ :
شابک	: ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۶۸۹ : دوره: ج ۱۰ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۰۲۱ : ج ۲ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۱۹ : ج ۲ :
وضعیت فهرست نویسی	: ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۳۳ : ج ۳ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۴۰ : ج ۴ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۴۰ : ج ۵ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۵۷ : ج ۶ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۶۴ : ج ۷ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۷۱ : ج ۸ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۸۸ : ج ۹ : ۹۷۸۹۶۴۷۸۶۷۷۹۵ : ج ۱۰ :
یادداشت	: فیبا :
مندرجات	: کتابنامه .
علوم انسانی اسلامی - ج ۱ : کمیسیون تخصصی تعلیم و تربیت اسلامی - ج ۲ : کمیسیون تخصصی فلسفه و روش‌شناسی تخصصی اقتصاد اسلامی - ج ۳ : کمیسیون تخصصی مدیریت اسلامی - ج ۴ : کمیسیون تخصصی علوم سیاسی اسلامی - ج ۵ : کمیسیون تخصصی اسلام - ج ۶ : مقالات کمیسیون تخصصی تمدن نوین اسلامی - ج ۷ : مقالات کمیسیون تخصصی روان‌شناسی اسلامی - ج ۸ : مقالات کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی اسلامی - ج ۹ : مقالات کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی - ج ۱۰ : مقالات کمیسیون تخصصی ارتباطات و جامعه‌شناسی اسلامی -	
موضوع	: علوم انسانی (اسلام) - کنگره‌ها
موضوع	: Humanities (Islam) -- Congresses :
موضوع	: علوم انسانی -- کنگره‌ها
موضوع	: Humanities -- Congresses :
شناسه افزوده	: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا
رده بندی کنگره	: BP۲۳۲ :
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۸۵ :
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۴۰۳۹۸ :

مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

جلد هشتم | کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی

ناشر: انتشارات آفتاب توسعه (ناشر آثار مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا)

نویسندگان: جمعی از نویسندگان مقاله در چهارمین کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی

ویراستار: مرتضی طباطبایی

طراحی جلد: سید ایمان نوری نجفی

صفحه آرای: یوسف بهرخ

نوبت و سال انتشار: نخست، بهار ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ دوره

شابک دوره: ۹-۶۸-۷۸۶۷-۹۶۴-۹۷۸

شابک: ۱۱-۷۷-۷۸۶۷-۹۶۴-۹۷۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی ناشر: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان کشور دوست، کوچه نوشیروان،

پلاک ۲۶، طبقه چهارم، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

کد پستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

تلفکس: ۰۹۰۵۶۰۶۶۴

www.sccsr.ac.ir

پایگاه اینترنتی:

info@sccsr.ac.ir

رایانامه:

فهرست مطالب

کمیسیون تخصصی هنر و معماری اسلامی

- | | |
|-----|---|
| ۹ | مبانی نظری نوسازی متوازن بافت‌های فرسوده شهری
علیرضا عندلیب |
| ۴۵ | تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن
در کیفیت خلق آثار معماری بر اساس مبانی حکمت متعالیه
سمانه تقدیر |
| ۷۳ | راهکارهای تأمین سلامت در معماری و شهرسازی اسلامی
مهدی حمزه نژاد، زهرا ثروتی |
| ۹۷ | تأملی انتقادی بر رویکردهای تحقیق در معماری
و شهرسازی با استناد به آموزه‌های اسلامی
محمدمنان رئیسی |
| ۱۲۳ | بررسی تأثیر قواعد اخلاقی-فقهی
در تنظیم قانون مدنی و مصوبات شورای عالی شهرسازی و معماری
سیدمجید هاشمی طغراجردی |
| ۱۵۳ | روش تحقیق در تحقق شهرسازی اسلامی (برنامه‌ریزی شهری)
سیدمصطفی حسینی، علی حجازیان، محمد حسین گلکار، عبدالله صادقی |
| ۱۷۵ | مدل استراتژیک عدالت اجتماعی و فضایی در شهر آرمانی اسلام
بهزاد عمرانزاده |

۲۰۳

انسان خودشکوفای اشتداد یافته ملاصدرا و نمود آن در طراحی معماری کمال‌گرای انسانی
عاطفه ظریف فیروز عسگری، دکتر مهدی حمزه‌نژاد

۲۲۱

بررسی و تطبیق صفات نادان‌شهرهای فارابی
با شهرها و محله‌های معاصر (شهر مشهد)
وحیده فکری، مهدی حمزه‌نژاد

۲۴۳

بررسی تطبیقی در مفهوم و مبانی طراحی اشیا از منظر ایرانی-اسلامی (نمونه پژوهش:
ظروف خانگی قرون اولیه اسلامی)
پردیس بهمنی

۲۷۱

شاخصه‌سازی کیفیت مسکن ارزان‌قیمت با نگرش اسلامی
پریسا محمدصادقی، مهدی حمزه‌نژاد

۳۰۳

نقشه راه شهرسازی اسلامی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی
علی حجازیان، سیدمصطفی حسنی، محمدحسین گلکار

۳۱۹

تحلیل نحوه تغییر سرفصل دروس کارشناسی ارشد
برنامه‌ریزی منطقه‌ای در جهت اسلامی شدن
محمدصالح شکوهی بیدهندی

۳۳۵

ارزیابی راهبردهای تولید دانش اسلامی، با تأکید بر مطالعات شهرسازی
احسان شریفیان، محمد سیدغراب

۳۶۹

واکاوی عدم تطبیق سبک زندگی با مصوبات معماری و
شهرسازی با تأکید بر سطح اشغال و اقلیم
سارا بهمنی کازرونی، امیرحسین جمشیدی، علیرضا حیدری

واکاوی عدم تطبیق سبک زندگی با مصوبات معماری و شهرسازی با تأکید بر سطح اشغال و اقلیم

سارا بهمنی کازرونی

آموزشکده فنی و حرفه ای سما، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کازرون، ایران، کازرون (نویسنده مسئول)

sara_bahmani1368@yahoo.com

امیرحسین جمشیدی

پژوهشگر دکتری معماری، مدرس دانشکده هنر و معماری شیراز، ایران، شیراز

jamshidi.amirhossien@yahoo.com

علیرضا حیدری

دانشجوی کارشناسی معماری، دانشگاه آزاد، واحد کازرون، ایران، کازرون

Heidari.alireza@yahoo.com

چکیده

در این مقاله با بررسی مقررات معماری و شهرسازی به مثابه الزامات و مصوبات در زمینه طراحی مسکن خواهیم پرداخت تا نسبت میان مشخصه‌های سبک زندگی در ایران و شکل محل سکونت را بسنجیم و رابطه میان این دو را بررسی کنیم. هدف اصلی در این مقاله، بررسی این مسئله خواهد بود که مقررات معماری و شهرسازی، چه تأثیری بر عدم تحقق سبک زندگی دارند. در نهایتاً میتوان گفت، این امر عدم حضور سبک زندگی در معماری امروزی رقم خواهد زد و این سبک زندگی بر زیستن در نوع خاصی از کالبد معمارانه تأثیر می‌گذارد که در این مقاله بررسی قرار می‌شود.

کلیدواژگان: سبک زندگی، مقررات معماری، معماری معاصر، مسکن ایرانی.

۱. مبانی نظری

۱-۱. تعریف سبک زندگی

آلفرد آدلر از اصطلاح «سبک زندگی»^۱ برای اشاره به حال و هوای زندگی فرد استفاده می‌کرد. سبک زندگی هدف فرد، خودپنداره، احساس‌های فرد نسبت به دیگران و نگرش فرد نسبت به دنیا را شامل می‌شود (جی و جی فیست، ۱۳۸۴، ص ۹۷).

لیزر (۱۹۶۳م) سبک زندگی را براساس الگوی خرید کالا تعریف می‌کند. به نظر وی سبک زندگی نشان‌دهنده شیوه زندگی متمایز جامعه یا گروه اجتماعی و نشان‌دهنده شیوه‌ای است که مصرف‌کننده در آن خرید می‌کند و شیوه‌ای که کالای خریداری شده مصرف می‌شود، بازتاب‌دهنده سبک زندگی مصرف‌کننده در جامعه است (خوشنویس، ۱۳۸۹، ص ۷۳).

یاسر من^۲ (۱۹۸۳م) سبک زندگی را الگویی از مصرف می‌داند که در بردارنده ترجیحات، ذائقه و ارزش‌هاست (ربانی، ۱۳۸۹، ص ۲۳). سبک زندگی به مثابه مجموعه منسجمی از انتخاب‌ها، ترجیحات و رفتارهای مصرف‌گرایانه است (چاوشیان و اباذری، ۱۳۸۱، ص ۲۰).

از دیدگاه سویل^۳، سبک زندگی عبارت است از «هر شیوه متمایز و بنابراین قابل تشخیص زیستن». سولومون^۴ اعتقاد دارد که هر جامعه‌ای دارای سبک و شیوه زندگی متفاوتی است. سبک زندگی، فعل و انفعال فرد را در محیط زندگی او نشان می‌دهد. در جوامع سنتی انتخاب‌های مبتنی بر مصرف به شکل گسترده‌ای براساس طبقه، کاست، محیط روستا یا خانواده دیکته می‌شود؛ در حالی که در جوامع مدرن مردم دارای آزادی عمل بیشتری در انتخاب کالاها و خدمات و فعالیت‌هایی هستند که به نوبه خود هویت اجتماعی را خلق می‌کند (رسولی، ۱۳۸۲، ص ۵۴).

به نظر آرتور آسابرگر برای تعریف اصطلاح «سبک زندگی» با واژه فراگیری روبه‌رویم که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس گرفته، تا سرگرمی و تفریح و ادبیات و موضوعات مربوط دیگر را شامل می‌شود. کلمه «سبک»، «مد» را تداعی می‌کند؛ پس سبک زندگی در واقع مد یا حالت زندگی یک فرد است (همان).

برداشت‌گیدنز از مقوله سبک زندگی عبارت است از: تلاش برای شناخت مجموعه منظمی از

1. life style
2. Yasirman
3. Sobel
4. Solmon

رفتارها یا الگویی از کنش‌ها که افراد آنها را انتخاب کرده‌اند و کنش‌های آنها در زندگی روزمره به واسطه آنها هدایت می‌شود (خوشنویس، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

«سازمان بهداشت جهانی» سبک زندگی را این‌گونه تعریف می‌کند: اصطلاح سبک زندگی به روش زندگی مردم و بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. همچنین ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادات فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد به الکل و دخانیات و...) است که در پی فرایند جامعه‌پذیری پدید آمده است (قاسمی پاکرو، ۱۳۹۰).

محمد فاضلی در کتاب مصرف و سبک زندگی، معنای این واژه را عبارت می‌داند از: «طیف رفتاری‌ای که اصلی انسجام‌بخش بر آن حاکم است و عرصه‌ای از زندگی را تحت پوشش دارد و در میان گروهی از افراد جامعه قابل مشاهده می‌باشد و الزاماً برای همگان قابل تشخیص نیست؛ اگرچه محقق اجتماعی میان آن و بقیه طیف رفتارهای افراد جامعه، تمایز قائل می‌شود» (فاضلی، ۱۳۹۰، ص ۸۳). نویسنده کتاب دین و سبک زندگی می‌نویسد:

سبک زندگی عبارت است از الگوی هم‌گرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای درونی و بیرونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها (سلیقه‌اش) و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند. یا به اختصار، سبک زندگی، الگو یا مجموعه نظام‌مند کنش‌های مرجح است (مهدوی کنی، ۱۳۹۲، ۷۸).

در تعریفی دیگر چنین آمده است: «سبک زندگی، عبارت است از الگوی زندگی فردی که در فعالیت‌ها، دل‌بستگی‌ها و افکار شخصی، خود را نشان می‌دهد» (شوشتری‌زاده، ۱۳۸۲، ص ۷۴). برخی نیز سبک زندگی را با «هویت» پیوند می‌زنند: «سبک زندگی نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام‌واره، هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌سازد» (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۱۴۶). این تعریف به گونه‌ای هویت فرد را در برابر دیگران به نمایش می‌گذارد. وی در جای دیگری منظور از سبک زندگی را چنین بیان می‌کند: «مجموعه‌ای از رفتارها و عملکردهایی که یک فرد به منظور تأمین نیازها و احتیاجات روزمره خود به کار می‌گیرد. شیوه زندگی هر فردی بیانگر هویت و معرف شخصیت آن فرد است» (همان). مؤلفی دیگر سبک زندگی را این‌گونه تعریف می‌کند: «شیوه‌ای نسبتاً ثابت که فرد اهداف خود را به آن طریق دنبال می‌کند» (کاویانی، ۱۳۹۲، ۱۴۶).

کمبود فضا و رشد طولی بناهای جدید، سبب شد که طراحی خاصی در ساخت خانه‌های جدید به کار رود. نداشتن حیاط و فضای سبز، وجود حمام و دستشویی در فضای داخلی خانه و آشپزخانه اُپن، از جمله ویژگی‌های معماری خانه‌های جدید است. با ورود صنعت و تکنولوژی به کشورهای مسلمان به تدریج سبک معماری و شهرسازی جوامع مسلمان نیز تغییر کرد. مسلمانان معماری و شهرسازی مدرن را بدون کم و کاست و به طور کاملاً مقلدانه اخذ کردند؛ به طوری که برخی از بزرگ‌ترین برج‌ها و ساختمان‌های مدرن، در کشورهای مسلمان ساخته شده است. معماری و شهرسازی مدرن به تدریج همه شهرها و روستاهای سراسر جهان را فرا گرفت؛ معماری‌ای که دیگر نشان‌دهنده هویت و فرهنگ مردم یک منطقه و کشور نیست. این معماری در عین اینکه فرهنگ و هویت خاصی را به خود انتقال می‌دهد و در عین اینکه منشأ و مبدأ پیدایش آن مشخص است، خالی از هر گونه هویت و وطن خاصی است (پارسایی، ۱۳۹۳، ص ۴).

تعاریف از مسکن ایرانی و سبک زندگی

فضایی که انسان در آن سکنا می‌گزیند و آن را به مسکن خویش مبدل می‌سازد، مکانی می‌شود که در آن بخشی از وجود و هویت خویش را می‌نمایاند؛ آن را شکل می‌دهد؛ با آن می‌زید و در فرایندی دائمی و هر لحظه، خودآگاهانه و ناخودآگاه، آن را بارها و بارها بازسازی می‌کند. آدمی، علاوه بر داشتن روحیه، سلیقه، و رفتاری که او را به مثابه موجودی اجتماعی معرفی می‌کند، جهانی درونی نیز دارد. بدون این جهان درونی، انسان «بیخود» می‌نماید؛ حتی آن‌گاه که برانگیختگی‌های اجتماعی‌اش را، به لحاظ تاریخی و سیاسی و مدنی، با عناوینی همچون نوع‌دوستی و همدلی‌های قومی و نژادی و مذهبی بیان می‌کند. آدمی از انجام فعالیت‌های جمعی خود قصدی جز پربار شدن یا بیش از دیروز خود را یافتن ندارد؛ حتی آن‌گاه که در محفلی اجتماعی و برای ترفیع شرایط محیط انسانی تلاش می‌کند (فلامکی، ۱۳۸۱، ص ۳۴۹). هنگامی که سخن از مسکن و خانه به میان می‌آید، گفتاری از هایدگر به ذهن می‌رسد که می‌گوید: «انسان با غم غربت به جهان پرتاب شد و به دنبال پیدا کردن خانه‌ای است که آن را مأمن خویش قرار دهد» (فلامکی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۷). با این نگاه، خانه تنها مکانی برای آرمیدن نیست؛ هرچند نمی‌توان وجود خلاف این مسئله را انکار کرد، بلکه نشانه‌ای است که معنایی در خود نهفته دارد؛ کالبدی است که در پس چهره‌اش سخنانی عمیق پنهان است و غم‌ها و شادی‌هایی برای بیرون تراویدن دارد. به همین ترتیب، هنگامی که این تجلی‌های خودهای گوناگون (که می‌توانیم آنها را فردیت انسان ایرانی بخوانیم) در کنار یکدیگر

قرار می‌گیرند، همراه با بسیاری عوامل تأثیرگذار دیگر، شهری پدید می‌آورند که حرف‌ها برای گفتن دارد؛ شهری که دیگر تنها یک مکان جغرافیایی نیست؛ زیرا همان‌گونه که بورديو اشاره می‌کند (بورديو، ۱۹۸۴، ص ۱۰۲)، مکان جغرافیایی به لحاظ اجتماعی هرگز خنثا و بی‌غرض نیست و یا به تعبیر زیمل، شهر مدرن «یک هویت فضایی با نتایج جامعه‌شناختی نیست، بلکه هویتی جامعه‌شناختی است که به نحو فضایی شکل گرفته است» (باکاک، ۱۹۹۳، ص ۱۶). از این منظر، برای رسیدن به عناصر و عواملی که به چنین فضایی شکل می‌دهند و به تبع آن بر سازنده کالبدهایی هستند که آدمیان بر اساس نوع علایق خویش از میان بسیاری گزینه‌های ممکن برمی‌گزینند، نیازمند دانشی هستیم که ما را از جامعه ایران، فردیت و سبک زندگی ایرانی و انتخاب‌ها و عادت‌واره‌های انسان ایرانی، در جریان فرآیند زندگی روزمره آگاه سازد. بدین طریق می‌توانیم به جست‌وجوی نشانه‌هایی ملموس در مسکنی برخیزیم که فرد ایرانی، به نحوی خاص، آن را مطابق نیازها و سلیقه خویش بنا می‌کند (بندرآباد، ۱۳۹۴، ص ۱۱).

۳-۱. بررسی مقررات معماری و شهرسازی

۳-۱-۱. بیان مسئله سبک زندگی در راستای تحقق آن در مقررات معماری و شهرسازی
 به نظر می‌رسد معماری اسلامی با تأثیرپذیری از آموزه‌های دینی، بر سبک زندگی و ساخت‌وساز منازل و اماکن برای رسیدن به آرامش روحی و روانی مؤثر است. امروزه رسیدن به آرامش روحی و روانی با توجه به دل‌مشغولی‌ها و اضطراب‌ها حاکم بر زندگی، یکی از نیازهای اساسی بشریت است. در این بین وجود سرپناهی که انسان در آن به آرامش روحی و روانی برسد، یکی از بديهيات زندگی جامعه انسانی است. هرچقدر این سرپناه و اماکنی که انسان نیازهای روزمره خود را در آن برطرف می‌کند، با روح و سرشت انسانی سازگارتر باشد، آرامش فرد نیز بیشتر می‌شود. هدف از این تحقیق این است که دریابیم آیا معماری اسلامی که سبک زندگی ما را متأثر ساخته و در ساخت‌وسازهای منازل و اماکن ما نمود یافته، در رساندن ما به آرامش روحی و روانی مؤثر است یا نه؟ در این تحقیق قلمرو زمانی ما مربوط به ورود دین مبین اسلام به ایران و تأثیر آن بر معماری و سبک زندگی است و بنابراین قلمرو مکانی آن نیز کشور ایران است. روش تحقیق کتابخانه‌ای، توصیفی و تحلیلی خواهد بود.

در هر فرایندی که به برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مرتبط با طراحی برای محیط می‌انجامد، شماری از گروه‌های ذی‌نفع دخالت دارند. هرچه پروژه وسیع‌تر باشد، تعداد افراد ذی‌نفع با سلايق،

جهت‌گیری‌ها و اهداف مختلف و متناقض بیشتر می‌شود. این افراد هر کدام بر طبق دیدگاه و بینش خود و شرایط اجتماعی و اقتصادی موجود محدودیت‌هایی را بر روند طراحی وضع می‌کنند. لاوسون در کتاب طراحی چگونه می‌اندیشند افراد ذی‌نفع را در چهارگروه طراحان، کارفرمایان، استفاده‌کنندگان و قانون‌گذاران تقسیم‌بندی کرده است (لاوسون، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵). هر یک از این گروه‌ها در پیشبرد طرح و جهت‌گیری آن، با درجات متفاوتی مؤثرند: محدودیت‌هایی را بر طراحی تحمیل کرده، به نوبه خود می‌توانند کاربرد انعطاف‌پذیر را به عنوان یکی از اولویت‌های حوزه برنامه‌ریزی و طراحی مطرح کنند یا آن را با چالش روبه‌رو سازند. در ادامه، با پذیرش تقسیم‌بندی لاوسون و به منظور واکاوی دلایل عدم تحقق انعطاف‌پذیری در عرصه طراحی و برنامه‌ریزی مسکن معاصر، یکی از این عوامل چهارگانه (قانون‌گذار) که به عنوان محدودیت عمل می‌کند، بررسی می‌شود. در قسمت اول به بررسی مصوبات قانون‌گذار و سپس تأثیرات قوانین در گونه‌بندی معماری مسکونی معاصر خواهیم پرداخت.

۲-۳-۱. بررسی نمود سبک زندگی در جانمایی فضاهای معماری با توجه به آیات و احادیث

در آیات و احادیث به اندازه خانه‌ها، میزان فضای سبز و مواردی از این دست اشاره شده است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

الف) الزامات عمومی

إِنَّ لِلدَّارِ شَرَفًا وَشَرَفُهَا السَّاحَةُ الْوَاسِعَةُ وَالْخُطَاءُ الصَّالِحُونَ وَإِنَّ لَهَا بَرَكَهً وَبَرَكَتُهَا جَوْدُهُ مَوْضِعُهَا وَسَعَةُ سَاحَتِهَا وَحُسْنُ جَوَارِحِهَا؛ «خانه را شرافتی است؛ شرافت خانه به وسعت حیاط (قسمت جلوی خانه) و همنشینیان خوب است. و خانه را برکتی است؛ برکت خانه جایگاه خوب آن، وسعت محوطه آن و همسایگان خوب آن است» (مکارم الاخلاق، ۱۳۱۱، ص ۱۲۵ و ۱۲۶).

رسول اکرم ﷺ: كُلُّ بَيْتٍ لَا يَدْخُلُ فِيهِ الضَّيْفُ لَا يَدْخُلُهُ الْمَلَائِكَةُ؛ «هر خانه‌ای که میهمان بر آن وارد نشود، فرشتگان واردش نمی‌شوند» (شعیری، جامع الأخبار، ۱۳۶۳، ص ۱۳۶).

امام باقر ﷺ: مِنْ شَقَاءِ الْعَيْشِ ضَيْقُ الْمَنْزِلِ؛ «یکی از تیره‌روزی‌ها تنگی منزل است» (الکافی، ج ۶، ۱۴۲۸، ص ۵۲۶).

رسول خدا: مَنْ بَاتَ عَلَى سَطْحٍ غَيْرِ مُحَجَّرٍ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ فَلَا يُلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ؛ «هر کس بر

بام بدون دیوار بخوابد و پیامد ناگواری رخ دهد، نباید هیچ کس جز خویشتن را سرزنش کند» (الکافی، ۱۴۲۸ق، ج ۶، ص ۵۳۰؛ بحار الأنوار، ۱۱۱۰، ج ۷۶، ص ۱۸۹).

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است که در این حکم، فرقی میان زن و مرد نیست: **أَنَّ كَرَةَ أَنْ يَبِيَّتَ الرَّجُلُ عَلَى سَطْحٍ لَيْسَتْ عَلَيْهِ حُجْرَةٌ - وَ الرَّجُلُ وَ الْمَرْأَةُ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ** (الکافی، ج ۶، ص ۵۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۸). ایشان داشتن سه دیوار را برای بام کافی نمی‌داند و فرموده است که بهتر است چهار سمت بام پوشیده باشد و ارتفاع آن را از یک وجب تا دو زراع (تقریباً یک متر) ذکر فرموده است (الکافی، ج ۶، ص ۵۳۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۱۸۸).

فضای سبز

آب و سبزی موجب نشاط و شادابی روحی انسان است و باید در مسکن از این آب و سبزی به شکل‌های درست آبنا و فضای سبز استفاده شود. امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید: **ثَلَاثَةٌ يَجْلِبِنَ الْبُصْرَ النَّظْرُ إِلَى الْخُضْرَةِ وَالنَّظْرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي وَالنَّظْرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ**؛ «سه چیز چشم را روشنی می‌دهد: نگاه کردن در سبزه و نگاه کردن در آب جاری و نگاه کردن در صورت زیبا» (الخصال، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۹۲).

حمام

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: **اجْعَلُوا سُقُوفَ بُيُوتِكُمْ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ وَاجْعَلُوا الْحَمَّامَ فِي أَكْتافِ الدَّارِ**؛ «سقف خانه‌ها را هفت ذراع کنید و حمام را در گوشه خانه (دور از خانه) بسازید» (المحاسن، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۰۹).

سرویس بهداشتی

با توجه به روایات اسلامی، سرویس بهداشتی در طراحی مطلوب اسلامی باید در پنهان‌ترین جای بنا و در فضای بیرون از خانه قرار گیرد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **أَلَيْسَ مِنْ حُسْنِ التَّقْدِيرِ فِي بِنَاءِ الدَّارِ أَنْ يَكُونَ الْخَلَاءُ فِي أَسْتَرٍ مَوْضِعٍ مِنْهَا؟** «آیا نمی‌بینی که از نیکویی تقدیر خانه که آدمی بنا می‌کند آن است که بیت الخلاء (سرویس بهداشتی) در پنهان‌ترین جاهای خانه باشد؟» (توحید المفضل، ۱۲۸۷ق، ص ۷۰).

در برخی آپارتمان‌ها سرویس بهداشتی و حمام در فضای مشترکی قرار دارند که هم از لحاظ بهداشتی و هم از منظر اسلام نامطلوب است.

آشپزخانه

قرآن در خصوص مواجه شدن حضرت ابراهیم علیه السلام با مهمانانش می‌فرماید: «فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ» (ذاریات: ۲۶)؛ «سپس پنهانی به سوی خانواده خود رفت و گوساله فربه و بریان‌شده‌ای را برای آنها آورد».

بنابراین آشپزخانه نباید در معرض دید مهمان باشد (تفسیر نور، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۲۵۴). در واقع از این آیه چنین برداشت می‌شود که خانه حضرت ابراهیم علیه السلام دارای دو قسمت بیرونی و اندرونی بوده است. امروزه به تقلید از معماری غربی از آشپزخانه‌هایی فاقد درب و پنجره (اصطلاحاً اوپن) در خانه‌ها استفاده می‌شود. این‌گونه آشپزخانه‌ها به دلیل نداشتن پوشش کافی، آرامش روانی لازم در حین طبخ و استفاده از آشپزخانه را از بانوان خانه می‌گیرد و سبب می‌شود که آنها نتوانند با آرامش و تمرکز کافی به کارهای آشپزخانه و طبخ غذا بپردازند.

کمیت و کیفیت حریم‌های شخصی (اتاق‌ها)

در آپارتمان‌های امروزی به دلیل طبقات زیاد، سقف طبقات کوتاه است که این خود موجب مشکلات فراوانی است. بر پایه بسیاری از روایات اسلامی، خانه باید دارای وسعت کافی (هم از لحاظ مساحت و هم از جهت ارتفاع ساختمان) جهت طراحی مطلوب و درست فضاها باشد تا موجب شادابی و نشاط جسمی و روحی افراد آن خانه شود و حریم شخصی افراد در خانه به دلیل فضای کم و نزدیک بودن اتاق‌ها و همین‌طور ساختمان‌های مجاور، به خطر نیفتد. امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید: «الْعَيْشُ السَّعَةُ فِي الْمَنْزِلِ وَالْفَضْلُ فِي الْخَدَمِ؛ «خوشی دنیا در دو چیز است: وسعت منزل و فضل و خوبی خدمتکار» (وسائل الشیعة، ۱۱۰۴، ج ۵، ص ۳۰۰)؛ یعنی بستر تحقق خوشی و شادی، وسعت منزل است. از منظر بهداشت روانی، خانه‌هایی که از لحاظ افقی و عمودی تنگ هستند اضطراب‌زایند و اهالی را با استرس و اضطراب همراه می‌سازند.

همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ حُسْنُ مَجْلِسِهِ وَسَعَةُ فَنَائِهِ وَنَظَافَةُ مَتَوَضَّأِهِ؛ «از سعادت انسان است که اتاق نشیمن خوب داشته باشد و آستانه خانه‌اش وسیع باشد و سرویس بهداشتی و حمام تمیز داشته باشد» (مکارم الاخلاق، ۱۳۱۱، ص ۱۲۶).

در حدیث شریفی که امام صادق علیه السلام از حضرت عیسی علیه السلام نقل کرده، به‌خوبی روشن است که حیا، منشأ پوشیدگی کامل خانه است و پوشیدگی خانه‌ها و ساختمان‌ها به نوع معماری آنها باز می‌گردد. حضرت عیسی علیه السلام پوشیدگی خانه‌ها را نشانه حیا و شرم دانسته و فرموده است: «إِذَا

قَعَدَ أَحَدُكُمْ فِي مَنْزِلِهِ فَلْيَبْرَحْ عَلَيْهِ سِتْرَهُ؛ «هرگاه یکی از شما در خانه خود نشسته است، پرده آن را بپفکند» (قرب الإسناد، ۱۴۱۳ق، ص ۴۶، ح ۱۵۱؛ بحار الأنوار، ۱۱۱۰ق، ج ۷۱، ص ۳۳۴). سپس در تبیین پشتوانه فرهنگی این رفتار می فرماید: فَإِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - قَسَمَ الْحَيَاءَ كَمَا قَسَمَ الرِّزْقَ؛ «زیرا خداوند - تبارک و تعالی - حیا را تقسیم کرده، همان گونه که روزی را تقسیم کرده است».

نورگیری مناسب در مسکن

خانه نباید به گونه ای ساخته شود که خانه های مجاور از نور و هوای مناسب و کافی محروم شوند. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: لَا يَسْتَطِيلُ عَلَيْهِ بِنَاءٌ سَكَنَهُ فَيُؤْذِيهِ بِإِشْرَافِهِ عَلَيْهِ وَسَدَّهُ مَنَافِذَ الرِّيحِ عَنْهُ (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۸، ص ۴۲۷).

نهی از مرتفع سازی مسکن ها

پیامبر اکرم ﷺ در حق همسایه می فرماید: لَا تَرْفَعُ بِنَاءَكَ فَوْقَ بِنَائِهِ فَتَسُدَّ عَلَيْهِ الرِّيحَ؛ «بنای خود را از بنای او فراتر نبر و جریان باد را بر او نبند (نهج الفصاحة، ص ۴۴۵).

توجه و اهمیت دادن به میهمان

پیامبر اکرم ﷺ: كُلُّ بَيْتٍ لَا يَدْخُلُ فِيهِ الضَّيْفُ لَا يَدْخُلُهُ الْمَلَائِكَةُ؛ «هر خانه ای که میهمان بر آن وارد نشود، فرشتگان واردش نمی شوند» (شعیری، ز، ص ۱۳۶). ایشان همچنین می فرماید: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيُكْرِمْ ضَيْفَهُ؛ «هر کس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید میهمانش را گرامی دارد» (الکافی، ج ۶، ص ۲۸۵).

حیاط

امام صادق ﷺ می فرماید: أَمَّا الدَّارُ فَضَيِّقْ سَاحَتَهَا وَشَرِّ جِيرَانَهَا وَكَثِّرْ عِيوبَهَا؛ «شومی خانه در آن است که حیاطش کوچک، همسایگانش بد و عیب هایش بسیار باشد» (معانی الاخبار، ص ۱۵۲). همچنین امام علی ﷺ می فرماید: إِنَّ لِلدَّارِ شَرْفًا وَشَرَفَهَا السَّاحَةُ الْوَاسِعَةُ وَالْخُلَطَاءُ الصَّالِحُونَ وَإِنَّ لَهَا بَرَكََةً وَبَرَكَتُهَا جَوْدَةٌ مَوْضِعُهَا وَسَعَةُ سَاحَتِهَا وَحَسَنُ جِيرَانِهَا؛ «خانه را شرافتی است. شرافت خانه به وسعت حیاط (قسمت جلوی خانه) و هم نشینان خوب است؛ و خانه را برکتی است، برکت خانه جایگاه خوب آن، وسعت محوطه آن و همسایگان خوب آن است» (مکارم

الاخلاق، ۱۳۱۱، ص ۱۲۵ و ۱۲۶).

از رسول اکرم ﷺ نیز نقل است که: **غَسَلُ الْإِنَاءِ وَطَهَارَةُ الْفِنَاءِ يورثانِ الْغِنَى**؛ «شستن ظرف‌ها و پاکیزگی حیاط خانه مایه غناست» (نهج الفصاحه، ص ۵۸۴، ح ۲۰۳۱).

نمازخانه (محلّی برای عبادت)

(وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكَ مِمَّا بَمِصْرَ بَيْوتاً وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ) (یونس: ۸۷)؛ «و وحی کردیم به موسی و برادرش که در مصر جایی و خانه‌ای بگیرد برای قوم خود و خانه‌هایتان را قبله سازید و نماز بر پا دارید».

از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: **أَنْتَىٰ أَحَبُّ لَكَ أَنْ تَتَّخِذَ فِي دَارِكَ مَسْجِداً فِي بَعْضِ بُيُوتِكَ**؛ «دوست دارم در خانه‌ات یک اتاق نمازخانه بگیری» (المحاسن، ۱۳۷۱، ص ۶۱۲). ایشان همچنین می‌فرماید: **اتَّخِذْ مَسْجِداً فِي بَيْتِكَ**؛ «در خانه خود، مکانی را برای نماز گزاردن اختیار کنید» (الکافی، ج ۳، ص ۴۸۰).

کراهت ساخت خانه بر روی قبرستان و آرامگاه

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: **لَا تَبْنُوا عَلَى الْقُبُورِ وَلَا تُصَوِّرُوا سُقُوفَ الْبُيُوتِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَرِهَ ذَلِكَ**؛ «بر سر گورها خانه نسازید و بر سقف خانه‌ها صورت نکشید، زیرا که رسول خدا ﷺ آن را بد می‌داشت» (المحاسن، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۱۲).

درگاه منزل

امام صادق علیه السلام؛ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: **اَكْتَسُوا أَفْنِيَتَكُمْ وَلَا تَسْبَهُوا بِالْيَهُودِ**؛ «درگاه منزلتان را بروید و پاکیزه کنید و به یهود شبیه مباحثید» (مکارم الأخلاق، ۱۳۱۱، ص ۱۲۷).

۴-۱. شناخت پیشینه ضوابط سطح اشغال بنا

شاید بیشتر شهروندان با ضوابط میزان سطح اشغال یک بنا در محدوده زمین خود آشنا باشند. صرف نظر از برخی تبصره‌ها و الحاقات مقطعی به این قانون، هر ساختمان باید در محدوده شصت درصد سطح شمالی زمین قرار گیرد و چهل درصد مساحت جنوبی قطعه به فضای باز اختصاص یابد و سابقه چنین حالتی از شهرسازی، به دهه‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰ شمسی بازمی‌گردد؛ زمانی که

تحولاتی برای تغییر ساختار شهری موجود با الگوبرداری از شهرسازی قرن نوزدهم پاریس، به ویژه در شهر تهران رخ داد. از سوی دیگر طرح‌های جامع شهری از ۱۳۴۵ شمسی به اجرا گذاشته شد. نخستین ضابطه مصوب شهرسازی در شهر تهران «قانون احداث و توسعه معابر و خیابان‌ها» نام داشت که در سال ۱۳۱۲ شمسی به تصویب رسید. طرح کلی تهران قدیم، همانند بسیاری از شهرهای دیگر ایران با ویژگی‌های اقلیمی انطباق داشت؛ الگویی شامل ساختمان‌های درون‌گرا با حیاط‌های مرکزی و گودوگذرهای باریک و دارای سلسله‌مراتب جهت ذخیره‌سازی هوای خنک، که تشکیل دهنده بافت شهری قدیمی تهران و بسیاری از کلان‌شهرهای امروزی ایران بود؛ اما مشخصه بافت شهری در طرح جدید شهرسازی تهران، خیابان‌های عریض و بافت‌های بدون حیاط مرکزی است که صورت جدیدی از فضای عمومی را پدید آورده است. انتخاب جهت‌گیری عمومی شمالی-جنوبی با این اصل سازگاری دارد که نمای اصلی ساختمان‌ها باید به سوی جنوب باشد تا به بهترین شکل ممکن در معرض تابش آفتاب زمستان قرارگیرند. در خانه‌های حیاط‌دار بزرگ قدیمی قسمت‌های شمالی و جنوبی ساختمان به ترتیب برای استفاده در زمستان و تابستان اختصاص می‌یافت. با تغییر ریخت‌شناسی قطعات زمین بر اثر تفکیک اراضی جدید بر مبنای نظم هندسی، این نظام کوچیدن در درون خانه متروک شد. ساختمان غالباً در قسمت شمالی زمین بنا می‌شد که از آفتاب زمستانی بهره بیشتری برده می‌شود. این واحد پایه الگوی شبکه‌ای خیابان‌ها بود که در فاصله سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ پی‌ریزی شد و مبنای ساخت و سازهای بعدی قرار گرفت (مدنی پور، ۱۳۸۱، ص ۱۷۹).

بنابراین می‌توان گفت که تغییر در الگوی ساختمان‌ها به صورت گذار از ساختمان‌های حیاط‌دار با گونه‌شناسی درون‌گرا به ساختمان‌های حیاط‌دار با بلندای متوسط (حدوداً دو طبقه) و اشراف به فضای خارج بوده است. تحلیل نتایج ضوابط استقرار بنا بر شکل شهر تهران الگوی احداث ساختمان‌ها در قسمت شمالی زمین و اشغال سطحی معادل حداقل شصت درصد سطح قطعه زمین، نظامی جدید با تبعات بسیار را (به ویژه در بخش‌های مسکونی) بر شهرسازی تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران تحمیل کرده است، که به طور خلاصه می‌توان آنها را به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

۱. با ایجاد تغییرات در مدیریت شهری تهران در دوره‌های مختلف، ضوابط تراکم شهری و منطقه‌بندی‌های مربوط به آن دستخوش تحولاتی شد و بحث‌های مربوط به تراکم‌های ۱۲۰ و ۱۸۰ درصدی را رقم زد که بر شکل‌گیری فضای شهری در دوره‌های مختلف

- تأثیرات گوناگونی بر جای گذاشت؛ اما با توجه به اینکه تمرکز این بحث بر ضوابط میزان سطح اشغال است، مجال پرداختن به موضوع میزان تراکم نیست؛
۲. یکنواختی و ناخوانایی سیمای شهر. برای مثال اگر بخواهیم از هواپیما به فضاهای شهری امروز در تهران بنگریم و سپس آن را توصیف کنیم، مطلب خاصی برای گفتن وجود ندارد. به علاوه شباهت تقریبی ضوابط تراکم و بلندمرتبه‌سازی مناطق مختلف شهری به یکدیگر دلیل دیگر این ماجراست. مطلب دیگر، نورگیری بسیار نامناسب برخی واحدهای آپارتمانی به‌ویژه آپارتمان‌های شمالی در ساختمان‌های شمالی است که به دلیل قوانین مربوط به اشراف فقط می‌توانند از نورگیرهایی با ابعاد حداقلی، روشنایی روز را تأمین کنند؛ این در حالی است که فلسفه ضابطه قرارگیری بنا در قسمت شمالی زمین برای نورگیری بهتر بوده است. از سوی دیگر ضابطه فوق چه در جوار یک گذر شش متری و چه در کنار یک بلوار ۳۵ متری به شیوه‌ای یکسان اجرا می‌شود. اگر منظور اجازه دادن به تابش خورشید برای رسیدن به ساختمان‌های شمالی باشد، این منطق برای گذرهای با عرض بیش از ده متر توجیه‌چندانی ندارد. زاویه تابش آفتاب در اقلیم شهری همچون تهران به طور متوسط شصت درجه است و اگر متوسط ارتفاع بناها حدود پانزده متر در نظر گرفته شود، عمق سایه حدود ۸/۵ متر خواهد بود؛
۴. در قطعات جنوبی به واسطه قرارگیری بدنه ساختمان در لبه نهایی زمین (مسئله نادیده گرفته شده در طرح‌های تفصیلی)، اعمال حریم نیمه‌خصوصی و نظام سلسه‌مراتب شهری برای این ساختمان‌ها به‌ویژه واحدهای مستقر در طبقات همکف و اول نقص می‌شود؛ به گونه‌ای که فاصله ششخص در خصوصی‌ترین فضای زندگی خود، با فضای عمومی کوچه و خیابان گاهی به کمتر از دو متر تقلیل می‌یابد؛
۵. با مطالعه الگوی نقشه در شهر تهران، به رغم ضوابط نسبتاً سخت‌گیرانه به منظور حفظ حریمیت و عدم اشراف، ملاحظه می‌شود که قطعات جنوبی نسبت به حیاط‌های قطعات شمالی (همان‌چهل درصد فضای باز خصوصی) اشراف کامل دارند. بنابراین علاوه بر شرحی که در بند چهارم درباره نقص حریم نیمه‌خصوصی آمد، قطعات شمالی نیز از این منظر دچار اشکالاتی در تأمین حریم‌های نیمه‌خصوصی و خصوصی است؛
۶. ضابطه میزان سطح اشغال در املاک دارای بر اصلاحی در یک خیابان به صورت هم‌زمان انواع میزان سطوح اشغال بنا را به وجود آورده است. در نتیجه حتی عبور در پیاده‌روها دچار

اختلال می‌شود. با نگاهی دقیق‌تر می‌توان از مقایسه معیارهای مطلوب شکل شهر با نتایج حاصل از اعمال ضوابط محل استقرار بنا نتیجه گرفت که از سویی معیارهایی همچون معنا، دسترسی و تناسب در کالبد شهر با برقراری این ضابطه در همه نقاط شهر به صورت یکسان، دچار خدشه خواهد شد و از سوی دیگر معیارهای پایداری همچون دسترسی به فضاهای باز سبز، قابلیت تجسم و حس مکان در این رابطه تضعیف می‌شود (بندرآباد، ۱۳۹۴، ص ۴).

۲. نتیجه‌گیری

در گذشته و در معماری مسکونی ایران، فضاها اسامی دیگرگون داشتند؛ درحالی‌که امروزه فضاها نام خود را از کاربری می‌گیرند که به آن اختصاص یافته‌اند؛ اما از آنجاکه این کاربردها ریشه در جایی دیگر دارند و مطابق نیازهای فرد ایرانی شکل نگرفته‌اند، اسامی و کاربری‌ها هستند که تعیین‌کننده نیازها می‌شوند و برخی اوقات با هم متضادند.

۱. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که طراحی فضای باز کمتر در اولویت توجه مقررات معماری بوده و تمرکز اصلی بر میزان اشتغال ساختمان‌ها فارغ از اتفاقات مابین آنهاست. در وضع موجود، قوانین سختگیرانه محل قرارگیری بنا، مانع از تحقق خلق فضاهای متنوع و پایندی به طرح سنتی حیاط مرکزی و استفاده از نور خورشید گشته است؛

۲. می‌توان به نحوه استفاده از برخی فضاها همچون بالکن‌ها یا آشپزخانه‌های باز اشاره کرد که در بسیاری از محل‌های سکونت، مطابق فرهنگ و یا نیاز تغییر می‌یابند. بالکن‌ها که کارکرد اصلی‌شان بر خورداری از دید و منظر و تماشا کردن زندگی عرصه شهری است، به محلی برای نگهداری وسایل غیرضروری یا غیرقابل استفاده تبدیل می‌شوند؛ زیرا فضای کافی مناسب برای انباری در نظر گرفته نشده است و عملاً خانه‌هایی هستند که هیچ‌گونه دسترسی به فضای آزاد و سبز (بالکن) ندارند؛

۳. بدین دلیل که سبک زندگی در ایران مقوله‌ای متفاوت است، افراد پس از استفاده، از آنجاکه همچنان به نگهداری از وسایل تمایل دارند، یا حتی به دلیل کمبود فضا، بالکن‌ها را به انبار تبدیل می‌کنند. این اتفاق درباره پشت‌بام‌ها نیز می‌افتد و بحث بام به عنوان نمای پنجم ساختمان، مطرح نیست؛

۴. عوامل و عناصری همچون مساحت، نما و موقعیت قرارگیری جزئی از معیارهای انتخاب

مسکن در جامعه ایران هستند؛ یعنی به جای کیفیت، کمیت است که موضوعیت دارد. همه موارد آورده شده، حکایت از این مطلب دارند که نه همیشه، اما در شمار قابل توجهی از موارد، مسئله عدم هماهنگی، عدم همگونی و آشفتگی در فردیت و سبک زندگی ای که ریشه در خاستگاه تاریخی و اجتماعی دارد، در شکل و کالبد محل‌های سکونت نیز مشهود است.

۵. در بناهای سنتی معماری ایرانی، جانمایی فضاها و مصالح متناسب با اقلیم انتخاب می‌شد؛ در صورتی که در مقررات معماری و شهرسازی، این مقوله از طریق عایق‌های حرارتی و جانمایی وسایط سرمایش و گرمایش به وجود می‌آید؛

۶. در بناهای معماری ایرانی، حریم و فیلتر صدا از طریق جانمایی اتاق‌ها و فضاهای خصوصی ایجاد می‌شده است؛ اما در معماری معاصر، این حریم به واسطه عایق‌های صوتی تعبیه می‌گردد که چه بسا ناظران و مقررات معماری، این عایق‌ها را الزامی ندانند؛

۷. یکی دیگر از مشکلات جدی در طراحی مسکن معاصر با توجه به سبک زندگی، نحوه چیدمان فضایی است که در مقررات معماری برای آن الزامی وجود ندارد؛ با این حال همه ساختمان‌ها از چیدمانی غربی در فضاهای خانه استفاده می‌کنند؛ مانند جایگاه قرارگیری آشپزخانه سرویس بهداشتی، که در مبانی نظری به آنها اشاره شده است.

۳. پیشنهادها

۱. در نظر گرفتن حیاط در طبقات؛

۲. در نظر گرفتن عرصه‌های خصوصی و عمومی؛



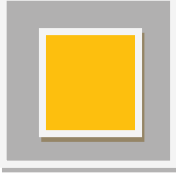
۳. در نظر گرفتن بالکن‌ها به سمت حیاط خصوصی، و نه معبر.

ردیف	مقررات معماری و شهرسازی	سبک زندگی اسلامی
۱	عرض بالکن یک متر و بیست سانتی‌متر	حیاط در طبقات
۲	خانه‌های کوچک	وسعت به اندازه اعضا
۳	عرض کم ۵۰ تا ۷۰	پستو برای وسایل اضافی
۴	۶۰ درصد ساخت و ۴۰ درصد فضای سبز	فضای سبز در طبقات
۵	مشرفیت ساختمان‌های بلند به همدیگر	مشرفیت و پنجره‌های بلند به حیاط

۶	عدم وجود فضا برای حضور مهمان	اهمیت فراوان مهمان بر اساس روایات
۷	قواره‌بندی زمین با متراژ کم	اهمیت بزرگی خانه بر اساس روایات
۸	قرارگیری ساختمان در محدوده خاصی از زمین	قرارگیری ساختمان در مرکز یا به صورت ویلایی
۹	استفاده از عایق‌ها حرارتی و صوتی، وسایل گرمایش و سرمایش	استفاده از تقسیمات درست فضایی، مصالحی برای دریافت انرژی

در جدول بالا به بررسی و تعمیم دادن موضوعات از سبک زندگی با مقررات ملی معماری و شهرسازی پرداخته شده است.

موضوع مورد بررسی	دیاگرام
<p>فضای سبز در طبقات</p> <p>لحاظ یک طبقه بیشتر به زمین به شرط آنکه در هر طبقه ۵۰٪ به فضای سب اختصاص یابد.</p>	
<p>در نظر گرفتن بالکن‌ها حتماً به سمت حیاط خصوصی زمین نه به سمت معبر (لذا بی‌نظمی نماها در منظر کاهش می‌یابد)</p>	

پلان پیشنهادی	پلان‌های امروزی	پلان حیاط مرکزی	نحوه چیدمان فضایی در حریم خصوصی و عمومی
<p>تداخل عرصه عمومی و خصوصی</p> <p> عرصه خصوصی عرصه عمومی </p> 	<p>تداخل عرصه عمومی و خصوصی</p> <p> عرصه خصوصی عرصه عمومی </p> 		

منابع

۱. بخشانی، نورمحمد (۱۳۸۹). نقش خانواده در تربیت فرزندان، ماهنامه ندای اسلام. ۱۱: ۵۳-۵۲.
۲. تقی‌پور ظهیر، علی (۱۳۷۲). مقدمات برنامه‌ریزی درسی و آموزشی. تهران: آگاه.
۳. چاوشیان، حسن، اباذری، یوسف (۱۳۸۱). از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی، نامه علوم اجتماعی. ۲۴:۲۰.
۴. خوشنویس، ناهید (۱۳۸۹). رسانه و سبک زندگی، ماهنامه روابط عمومی ایران. ۱۰.
۵. دادستان، پریخ (۱۳۷۹). روان‌شناسی مرضی تحولی از کودکی تا نوجوانی. ج ۲. تهران: ژرف.
۶. ربانی، رسول، ورستگار، یاسر (۱۳۸۷). سبک زندگی و فرهنگ مصرفی، مهندسی فرهنگی. ۲۳ و ۲۴.
۷. رسولی، محمدرضا (۱۳۸۲). بررسی مؤلفه‌های سبک زندگی در تبلیغات تجاری تلویزیون، مجله علوم اجتماعی. ۵۴:۲۳.
۸. زارعی، احمدعلی و غلامی شیرینی، حمید (۱۳۹۱). نقش مثبت‌نگری در افزایش سروتونین مؤثر در ایجاد تعادل عاطفی و نشاط و راهکارهای مؤثر در تقویت اندیشه مثبت، اولین دوره همایش شادابی و شادی. تهران.
۹. سیف، علی‌اکبر (۱۳۷۹). روان‌شناسی رشد (۱). تهران: سمت.
۱۰. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۵). روان‌شناسی پرورشی. تهران: آگاه.
۱۱. شوشتری‌زاده، شهناز (۱۳۸۲). بررسی تأثیر آموزش رفتارهای سلامتی بر تغییر روش زندگی مبتلایان به بیماری عروق کرونر قلب مراجعه‌کننده به بیمارستان‌های منتخب شهر اصفهان در سال ۱۳۸۲ (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۱۲. طهماسبیان، کارینه، و غلامرضایی، مریم (۱۳۸۸). بررسی رابطه خود اثرمندی و طرد همسالان در نوجوانان، پژوهش‌های نوین روان‌شناختی. ۲۱ (۱۴).
۱۳. عصاره، علیرضا (۱۳۸۲). کارکردهای فعلی آموزش و پرورش کشورمان در تربیت دینی، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش. ج ۲. تهران: محراب قلم.
۱۴. فاضلی، محمد (۱۳۹۲). مصرف و سبک زندگی. قم: انتشارات صبح صادق.
۱۵. فیست، جس و گریگوری جی. فیست (۱۳۸۴). نظریه‌های شخصیت. (ترجمه یحیی سید محمدی). تهران: نشر روان.

۱۶. کاویانی، محمد (۱۳۹۲). سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۷. مدنی‌پور، علی (۱۳۸۱). تهران ظهوریک کلان‌شهر. تهران: انتشارات پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
۱۸. مهدوی کنی، محمدسعید (۱۳۹۲). دین و سبک زندگی، مجله: مطالعات سبک زندگی. ۳: ۱۵۹-۱۵۷.
۱۹. محمد منصور فلامکی، شیما شصتی (۱۳۹۳)، رابطه میان سبک زندگی و مسکن ایرانی با تکیه بر نظریه جامعه کوتاه مدت و نظریه راهبرد و سیاست سرزمینی جامعه ایران، فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، ۶(۳): ۱۱۷-۱۳۷.
۲۰. علیرضا بندرآباد (۱۳۸۹). بررسی تأثیر ضوابط شهرسازی بر شکل شهرتهران. ۲(۹): ۱۰-۱۳.
۲۱. لاوسن، برایان (۱۳۸۴). طراحان چگونه می‌اندیشند: ابهام‌زدایی از فرایند طراحی. اصفهان: کتابخانه مرکزی و مرکز اطلاع‌رسانی شهرداری اصفهان.
۲۲. بوردیو، پی‌یر (۱۹۳۱). تمایز- نقد اجتماعی فضاوت‌های ذوقی. ترجمه: حسن چاوشیان. تهران: ثالث.
۲۳. کاویانی، محمد (۱۳۹۱). رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان، فصلنامه روانشناسی و دین. ۴(۴): ۱۱-۳۱.
۲۴. _____ (۱۳۹۱). کمی‌سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی، فصلنامه روانشناسی و دین. ۴(۲): ۱۱-۱۳.
۲۵. _____ (۱۳۹۳). تربیت اسلامی، گذر از اهداف کلی به اهداف رفتاری، دوفصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم. ۱(۳): ۳۳-۳۹.
۲۶. محمد بن یعقوب الكلینی (۱۴۲۸). المحاسن. بیروت: منشورات الفجر.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۰۳۷). بحارالانوار. ج ۹۴. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. شریفی، احمدحسین (۱۳۹۲). همیشه بهار: اخلاق و سبک زندگی اسلامی. نشر همیشه بهار.
۲۹. شیخ صدوق (۱۴۰۳). معانی الاخبار. قم: نشر جامعه مدرسین.
۳۰. باکاک، رابرت (۱۳۸۱). مصرف. ترجمه خسرو صبری. تهران: شیرازه.
۳۱. ابوالقاسم پاینده (۱۳۲۴ش). نهج الفصاحة، سازمان انتشارات جاویدان.
۳۲. کافی، احمد (۱۳۱۵ش). فضل العلم. قم.

33. Bourdieu, Pierre, (1984), *Distinction, a Social Critique of Judgment of Taste* Translated by Richard Nice, London: Routledge & Keagen Paul.
34. Bourdieu, Pierre, (1996), *The State Nobility*, Translated by Laurantac Clough, Oxford: Polity Press.
35. Bourdieu, Piere (1977). *Outline of a Theory of Practic Distinction*. Cambridge: Cambridge University Press.
36. Bourdieu, Piere (1993). *The Field of Cultural Production*. London: Polity Press.
37. Bourdieu, Piere (1992). *An Invitation to Reflexive Sociology*. Chicago: The University of Chicago Press.